

در باره محمد مطیع، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون

محمد مطیع به سال ۱۳۲۲ در مشهد متولد می‌شود و از سنین نوجوانی در زادگاه خویش فعالیتهای تئاتری خویش را آغاز می‌کند. با پایان گرفتن دوران دبیرستان به اتفاق جمعی از دوستان و گروهی از دانشجویان دانشگاه مشهد گروه تئاتر «آبادانا» را تاسیس کرده، بعنوان بازیگر، کارگردان و نمایشنامه نویس در آن گروه آغاز به فعالیت می‌کند. حاصل این دوران اجرای چندین نمایش در مشهد و دیگر شهرهای استان خراسان است.

مطیع سپس راهی تهران می‌شود و در اداره‌ی تئاتر به فعالیت می‌پردازد و نیز با چند گروه آزاد تئاتری همکاری می‌کند. او در دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک در چندین فیلم کوتاه شرکت می‌جوید و همچنین با گروه تئاتر دانشجویی «پگاه» به سرپرستی و کارگردانی ابراهیم مکی به همکاری می‌پردازد. حاصل این همکاری اجرای دو نمایش صحنه‌ای (یکی در شهرهای شمال ایران و دیگری در جشن هنر) و همچنین تعداد هشت الی نه نمایش تلویزیونی است.

مطیع تا سال ۱۳۵۸ که از طرف اداره برنامه‌های تئاتر وزارت فرهنگ و هنر بازنشسته می‌شود، در بسیاری از نمایش‌های آن مرکز به عنوان بازیگر، دستیار کارگردان، مدیر صحنه و یا مدیر تهیه همکاری می‌کند. وی در طول فعالیت‌های هنری‌اش در ایران که تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشته، در نمایش‌ها و سریال‌های تلویزیونی مختلف و چند فیلم سینمایی شرکت جسته و یک سریال نیز برای بخش کودکان و نوجوانان تلویزیون کارگردانی کرده است. او با اکثر بازیگران و کارگردان‌های ایرانی همکاری داشته و در این عرصه ایفاگر نقش‌های گوناگونی بوده است که شرح چگونگی آن در حوصله‌ی این بروشور نمی‌گنجد. محمد مطیع در سال ۱۳۶۷ (۱۹۹۸) ایران را به قصد کشور سوئد ترک می‌گوید و اکنون چندین سال است که به اتفاق خانواده‌اش در آنجا بسر می‌برد. نمایشنامه‌ی «رفت و برگشت» نوشته و به کارگردانی ایرج جنتی‌عطایی اولین تجربه‌ی صحنه‌ای مطیع پس از سالها سکوت در غربت است که به مدت یازده شب در لندن و سپس در چندین کشور اروپایی به روی صحنه می‌رود.

منوچهر آتشی شاعر بلند آوازه و منتقد هنری مجله‌ی تماشا، در نقدی بر تک‌پرده، با تاکید بر سادگی و روانی نمایشنامه‌ی رضا بیک‌ایمانوردی، می‌نویسد: «تک تک، تک‌پرده‌ایهای مکی در شمار بهترین اشعار زمان ما قرار دارند».

این نمایشنامه در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۶ به کارگردانی نوذر آزادی و با بازیهای دلشین محمد گودرزی و بهمن زرین‌پور، در تئاتر کوچک تهران به صحنه می‌رود و نمایش آن تا پایان فصل نمایشی همان سال با موفقیت روز افزون ادامه می‌یابد.

به مناسبت همین اجرای صحنه‌ای، پرویز صیاد در بروشور نمایش نوشت: «رضا بیک‌ایمانوردی از مجموعه‌ای که مکی با نام تک‌پرده منتشر ساخته است، انتخاب شده است (...). تک‌پرده‌ایهای مجموعه‌ی تک‌پرده کمدهایی هستند در پرهیز از مفهوم عامیانه‌ی کمیک و در صدد یافتن اسلوبی نوین در درام‌نویسی ایرانی. در جلبقه‌بندی امروزی تئاتر، کارهای مکی را میتوان منتسب به مکتب تئاتر پوچی دانست. شاید به عبارتی بتوان مولف کتاب تک‌پرده را تنها نمایشنامه‌نویس ایرانی قلمداد کرد که در زمینه‌ی نوشتن تئاتر پوچی به ورطه تقلید از بزرگان این مکتب نیفتاده است».

در پایان باید اضافه کرد که گرچه درک محتوای این نمایش و لذت بردن از آن - به علت پایه‌گذاری اساس درام بر خصوصیات آدمی به طور کلی - ارتباطی به یک دوره‌ی معین و آشنایی با کاراکترهای آشنای آن دوره را ندارد، معینا برای کسانی که آن دوره را زیسته باشند، اجرای این نمایش می‌تواند یادآوری خاطراتی تلخ و شیرین را نیز به همراه داشته باشد.

نمایش رضا بیک‌ایمانوردی داستان ملاقات تصادفی دو انسان سرگردان در مقابل یکی از سینماهای تهران است. یکی از این دو شیفته‌ی سینمای فارسی و هوادار پروپاقرص رضا بیک‌ایمانوردی، و دیگری لاف‌زنی بیکاره است که از عشق و علاقه‌ی فرد نخست به رضا بیک‌ایمانوردی - بی‌آنکه غرض خاصی داشته باشد و تنها به خاطر خودستایی - سوءاستفاده کرده، خود را به دروغ یکی از نزدیکان او معرفی می‌کند. اما وقتی اصرار مرد جوان را برای ملاقات و آشنایی با بیک‌ایمانوردی می‌بیند، متوجه دام خود بافته‌اش میشود و برای فرار از آن به هر حیل‌های دست میزند تا آنکه عاقبت ... در واقع، مرد لاف‌زن با دروغهایی که به هم می‌بافد آرزوها و امیدهایی واهی را در دل جوان برمی‌انگیزد که قادر به برآوردن آنها نیست. به اینطریق تراژدی مضحکی پایه‌گذاری می‌شود که هم می‌خنداند و هم متاثر می‌کند.

ابراهیم مکی نمایش رضا بیک‌ایمانوردی را قبلا نیز در سال ۱۳۴۸ با همکاری محمد مطیع و آتش تقی‌پور برای تلویزیون ملی ایران آماده و ضبط می‌کند که به علت شکایت سندیکای هنرمندان از پخش آن جلوگیری می‌شود.

نمایشنامه‌ی رضا بیک‌ایمانوردی در سال ۱۳۵۲ نخستین بار در نخستین مجموعه‌ی تک‌پرده‌ای‌های مکی، تک‌پرده چاپ می‌شود. در این مجموعه برای نخستین بار انعکاس گرایش به تئاتر ابزورد در نمایشنامه‌های مکی دیده می‌شود. ابزورد نویسی مکی با نوعی کمدمی که در عین سادگی مکانیزمی پیچیده دارد و از ناخودآگاه آدمی نشات می‌گیرد، همراه است.

مکی در جای جای مجموعه‌ی تک‌پرده و بعدها در هفت پرده و همچنین در شتر قربانی نوعی از کمدمی را آفریده است که از انواع نمونه‌های ایرانی خود متفاوت است. نوعی کمدمی که سرگردانی، آشفته‌گی و قربانی بودن برخی از انسانها را به تصویر می‌کشد؛ نوعی از کمدمی که با زبانی روان، در فضای تئاتر ابزورد، و با تکیه بر فرهنگ ملی خلق شده است.